نشستِ ماهانه‌ی مدیران، آموزگاران و اولیا در دبیرستانِ دخترانه‌ی سرو برگزار شد

هشت‌ساعت گفت‌وگو درباره‌ی افت تحصیلی، بی‌انگیزگی و نقش خانواده در یادگیری

(گزارشِ ایمان رحیمی از هشتمین نشستِ ماهانه‌ی مدیران، آموزگاران و اولیای دبیرستانِ دخترانه‌ی سرو)

دبیرستانِ دخترانه‌ی سرو روز چهارشنبه، ۱۲ مهر، هشتمین نشستِ ماهانه‌ی مدیران، آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان را برگزار کرد. این نشست از ساعتِ ۹ صبح تا ۱۷ به طول انجامید و حدود ۶۰ نفر در آن شرکت کردند. موضوعِ اصلی امسال «افت تحصیلی، بی‌انگیزگی و نقش خانواده» بود. برگزارکنندگان می‌گویند تصمیم گرفته‌اند به جای سخنرانی‌های طولانی، فضا برای گفت‌وگو باز بماند و صدای معلم‌ها و والدین بیشتر شنیده شود.

نشست با سخنرانی کوتاه خانم مهرانگیز دلاوری، مدیر دبیرستان، آغاز شد. او گفت در سه سالِ گذشته میانگینِ نمراتِ درسِ ریاضی و علوم تجربی در پایه‌ی دهم حدود ۱۲ درصد کاهش داشته و تعداد غیبت‌ها در روزهای پایانی هفته به‌طور محسوس بیشتر شده است. به گفته‌ی او، این آمار تنها عددی نیست و پشتِ هر عدد نام و سرگذشتِ یک دانش‌آموز ایستاده است. سپس سه میز گرد برگزار شد: میزِ اول درباره‌ی افت تحصیلی، میزِ دوم درباره‌ی بی‌انگیزگی و میزِ سوم درباره‌ی نقشِ خانواده.

در میزِ اول، دبیرِ علوم، آقای کامران نوروزی، گفت بسیاری از دانش‌آموزان مفاهیم را حفظ می‌کنند اما توانِ به‌کارگیریِ آن در مسأله‌ها را ندارند. او پیشنهاد کرد کلاس‌ها کمتر با پرسش‌های تکراری و بیشتر با پروژه‌های کوچک اداره شود. خانمِ فرشته یزدان‌پناه، معلمِ ریاضی، گفت در کلاسِ نهم یک گروهِ واتس‌اپی برای تکالیف ساخته است و شب‌ها تا ساعتِ ۹ به دانش‌آموزان پاسخ می‌دهد. او گفت این کار زمانِ حضورِ معلم را کم نکرده، اما اعتمادِ دانش‌آموزان را زیاد کرده است.

میزِ دوم داغ‌ترین بخشِ نشست بود. خانمِ دکتر سیمین رهنما، روان‌شناسِ مدرسه، گفت بی‌انگیزگی اغلب نشانه‌ی خستگی است نه تنبلی. به گفته‌ی او، دانش‌آموزی که شب تا دیر وقت کار می‌کند و صبح خسته سرِ کلاس می‌آید، انرژی کافی برای یادگیری ندارد. او پیشنهاد کرد مدرسه ساعتِ شروعِ کلاس‌ها را نیم ساعت دیرتر کند و زنگِ تفریح را طولانی‌تر کند. این پیشنهاد با استقبالِ نسبی روبه‌رو شد و قرار است آزمایشی در دو ماهِ نخست اجرا شود.

در میزِ سوم، آقای مهندس بهروز کاویانی، پدرِ دو دانش‌آموز، گفت خانواده‌ها گاهی از سرِ دلسوزی کارهای خانه‌ی بچه‌ها را انجام می‌دهند و این کار به ضرر است. پاسخ خانمِ دلاور این بود که نقشِ خانواده نباید نقشِ معلم شود. او گفت اگر والدین به جای پرسیدنِ «نمره‌ات چند شد؟» بپرسند «امروز چه یاد گرفتی؟»، گفت‌وگو عوض می‌شود و فشارِ روانی کم می‌شود. این جمله با تشویقِ حاضران همراه شد.

در پایانِ نشست، سه پیشنهاد رأی‌گیری شد. پذیرشِ تکالیفِ کوتاه‌تر با ۴۱ رأی، برگزاریِ جلسه‌ی ماهانه‌ی اولیا با ۳۸ رأی، و راه‌اندازیِ گروهِ واتس‌اپی با ۲۹ رأی پذیرفته شد. مسئولِ اجرا خانمِ دلاور و آقای کاویانی تعیین شدند. قرار است گزارشِ اجرا در نشستِ آبانِ ماه ارائه شود. مدیر گفت اگر این سه طرح جواب ندهد، دوباره می‌نشینند و دوباره تلاش می‌کنند.

(ادامه‌ی گزارشِ صفحه‌ی ۶ — ستونِ ۲)

۳۰۰ میلیارد تومان برای مدرسه‌سازی در ۱۲ شهرستان

وزارتِ آموزش و پرورش از ساختِ ۴۰ مدرسه‌ی عشایری و روستایی خبر داد

تهران، ۱۴ مهر ۱۴۰۳: وزارتِ آموزش و پرورش روز سه‌شنبه از تخصیصِ ۳۰۰ میلیارد تومان برای ساخت ۴۰ مدرسه در ۱۲ شهرستانِ کمتر برخوردار خبر داد. این طرح قرار است ظرفِ دو سالِ آینده اجرا شود و بیشترِ آن به مناطقِ عشایری، مرزی و روستاهایی اختصاص یابد که تا کنون کلاسِ درس در آن‌ها به صورتِ موقت در چادر یا اتاقِ اجاره برگزار می‌شد.

به گفته‌ی مهندس کامران نوروزی، معاونِ وزیر در امورِ ابنیه، هر مدرسه ظرفِ ۱۲۰ دانش‌آموز را پوشش می‌دهد و شامل شش کلاس، آزمایشگاهِ کوچک، سرویسِ بهداشتی و آب‌انبارِ ۵۰ تنی است. او گفت پیمانکارانِ محلی در اولویت هستند تا هم اشتغال ایجاد شود و هم هزینه‌ی حمل و نقلِ مصالح کاهش یابد. به گفته‌ی او، ۶۰ درصدِ مصالحِ ساختمان از استان‌های همسایه تأمین می‌شود که این موضوع زمانِ اجرا را طولانی کرده است.

خانمِ دکتر فرشته یزدان‌پناه، کارشناسِ برنامه‌ریزیِ آموزشی، هشدار داد که ساختِ مدرسه به تنهایی کافی نیست و باید معلم و نیروی انسانی هم فرستاده شود. به گفته‌ی او، در برخی از مناطقِ مرزی تعدادِ معلمانِ رسمی به زحمت به ۴۰ نفر می‌رسد و بقیه با قراردادهای یک‌ساله کار می‌کنند. او گفت بدون تضمینِ ماندگاری، هیچ معلمی حاضر نمی‌شود به روستا برود.

در مقابل، برخی فعالانِ محیطِ کار نسبت به کیفیتِ ساخت ابراز نگرانی کردند. یکی از مدیرانِ پیشین گفت اگر نظارتِ کافی صورت نگیرد، همان اتفاقی که برای صدها کلاسِ بتنی در دهه‌ی گذشته افتاد تکرار می‌شود و مدرسه‌ها پیش از پایانِ عمرِ مفید ترک می‌خورند. وزارت پاسخ داد که سامانه‌ی عکس‌برداری از هر طبقه ثبت می‌شود و بازرسی‌ها بدون اطلاع انجام می‌گیرد.

(ادامه‌ی گزارشِ صفحه‌ی ۶ — ستونِ ۲)

بازارچه‌ی دست‌بافته‌های زنانِ روستای نارون‌دشت با استقبالِ بی‌سابقه روبه‌رو شد

۱۲۰ غرفه و ۴ هزار بازدیدکننده در دو روز؛ درآمدِ کلی به ۳۰۰ میلیون تومان رسید

نارون‌دشت، ۱۴ مهر ۱۴۰۳: بازارچه‌ی دست‌بافته‌های زنانِ روستای نارون‌دشت روز پنجشنبه با حضورِ ۱۲۰ غرفه و بیش از ۴ هزار بازدیدکننده به کار خود پایان داد. برگزارکنندگان می‌گویند درآمدِ کلی فروش به حدود ۳۰۰ میلیون تومان رسیده است. این بازارچه در سالنِ چندمنظوره‌ی روستا و زیرِ سایه‌بان‌های موقت برپا شده بود و بیشترِ غرفه‌ها در اختیارِ زنانِ بافنده، سفال‌ساز و گیوه‌باف قرار گرفت.

خانمِ فرشته یزدان‌پناه، مدیرِ طرحِ توسعه‌ی روستایی، گفت هدف از برگزاری این بازارچه نه فروشِ صرف، بلکه دیده شدنِ کارِ دست‌ساز و پیوند دادنِ تولیدکنندگان با بازارهای شهری است. او افزود که بسیاری از این زنان تا پیش از این هیچ کارتِ ویزیت یا برچسبِ برند نداشتند و قیمتِ محصولاتشان را واسطه‌ها تعیین می‌کردند. امسال برای هر غرفه یک کارتِ معرفی و یک برچسبِ ساده آماده شده بود.

بیشترِ فروش به بافته‌های سنتی و پتوهای کوچک تعلق داشت. یکی از بافندگان گفت یک پتو را در ۶ ماه بافته و توانسته است آن را به قیمتِ ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بفروشد، در حالی که پیش از این واسطه‌ها حداکثرِ ۶۰۰ هزار تومان می‌دادند. سفال‌ساز هم گفت سفارش‌های تازه‌ای از شهرهای همسایه گرفته است و قرار است تا پایانِ آبان یک کلاسِ آموزشی برای طراحیِ ساده برگزار شود.

(ادامه‌ی گزارشِ صفحه‌ی ۶ — ستونِ ۲)

۱۲۰ غرفه و ۴ هزار بازدیدکننده در بازارچه‌ی دست‌بافته‌های زنانِ نارون‌دشت

نارون‌دشت، ۱۴ مهر ۱۴۰۳: بازارچه‌ی دست‌بافته‌های زنانِ روستای نارون‌دشت روز پنجشنبه با حضورِ ۱۲۰ غرفه و بیش از ۴ هزار بازدیدکننده به کار خود پایان داد. برگزارکنندگان می‌گویند درآمدِ کلی فروش به حدود ۳۰۰ میلیون تومان رسیده است. این بازارچه در سالنِ چندمنظوره‌ی روستا و زیرِ سایه‌بان‌های موقت برپا شده بود و بیشترِ غرفه‌ها در اختیارِ زنانِ بافنده، سفال‌ساز و گیوه‌باف قرار گرفت.

خانمِ فرشته یزدان‌پناه، مدیرِ طرحِ توسعه‌ی روستایی، گفت هدف از برگزاری این بازارچه نه فروشِ صرف، بلکه دیده شدنِ کارِ دست‌ساز و پیوند دادنِ تولیدکنندگان با بازارهای شهری است. او افزود که بسیاری از این زنان تا پیش از این هیچ کارتِ ویزیت یا برچسبِ برند نداشتند و قیمتِ محصولاتشان را واسطه‌ها تعیین می‌کردند. امسال برای هر غرفه یک کارتِ معرفی و یک برچسبِ ساده آماده شده بود.

بیشترِ فروش به بافته‌های سنتی و پتوهای کوچک تعلق داشت. یکی از بافندگان گفت یک پتو را در ۶ ماه بافته و توانسته است آن را به قیمتِ ۱ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان بفروشد، در حالی که پیش از این واسطه‌ها حداکثرِ ۶۰۰ هزار تومان می‌دادند. سفال‌ساز هم گفت سفارش‌های تازه‌ای از شهرهای همسایه گرفته است و قرار است تا پایانِ آبان یک کلاسِ آموزشی برای طراحیِ ساده برگزار شود.

(ادامه‌ی گزارشِ صفحه‌ی ۶ — ستونِ ۲)

۳۰۰ میلیارد تومان برای مدرسه‌سازی در ۱۲ شهرستان

تهران، ۱۴ مهر ۱۴۰۳: وزارتِ آموزش و پرورش روز سه‌شنبه از تخصیصِ ۳۰۰ میلیارد تومان برای ساخت ۴۰ مدرسه در ۱۲ شهرستانِ کمتر برخوردار خبر داد. این طرح قرار است ظرفِ دو سالِ آینده اجرا شود و بیشترِ آن به مناطقِ عشایری، مرزی و روستاهایی اختصاص یابد که تا کنون کلاسِ درس در آن‌ها به صورتِ موقت در چادر یا اتاقِ اجاره برگزار می‌شد.

به گفته‌ی مهندس کامران نوروزی، معاونِ وزیر در امورِ ابنیه، هر مدرسه ظرفِ ۱۲۰ دانش‌آموز را پوشش می‌دهد و شامل شش کلاس، آزمایشگاهِ کوچک، سرویسِ بهداشتی و آب‌انبارِ ۵۰ تنی است. او گفت پیمانکارانِ محلی در اولویت هستند تا هم اشتغال ایجاد شود و هم هزینه‌ی حمل و نقلِ مصالح کاهش یابد. به گفته‌ی او، ۶۰ درصدِ مصالحِ ساختمان از استان‌های همسایه تأمین می‌شود که این موضوع زمانِ اجرا را طولانی کرده است.

خانمِ فرشته یزدان‌پناه، کارشناسِ برنامه‌ریزیِ آموزشی، هشدار داد که ساختِ مدرسه به تنهایی کافی نیست و باید معلم و نیروی انسانی هم فرستاده شود. به گفته‌ی او، در برخی از مناطقِ مرزی تعدادِ معلمانِ رسمی به زحمت به ۴۰ نفر می‌رسد و بقیه با قراردادهای یک‌ساله کار می‌کنند. او گفت بدون تضمینِ ماندگاری، هیچ معلمی حاضر نمی‌شود به روستا برود.

در مقابل، برخی فعالانِ محیطِ کار نسبت به کیفیتِ ساخت ابراز نگرانی کردند. یکی از مدیرانِ پیشین گفت اگر نظارتِ کافی صورت نگیرد، همان اتفاقی که برای صدها کلاسِ بتنی در دهه‌ی گذشته افتاد تکرار می‌شود و مدرسه‌ها پیش از پایانِ عمرِ مفید ترک می‌خورند. وزارت پاسخ داد که سامانه‌ی عکس‌برداری از هر طبقه ثبت می‌شود و بازرسی‌ها بدون اطلاع انجام می‌گیرد.

(ادامه‌ی گزارشِ صفحه‌ی ۶ — ستونِ ۲)

نشستِ ماهانه‌ی مدیران، آموزگاران و اولیا در دبیرستانِ دخترانه‌ی سرو برگزار شد

هشت‌ساعت گفت‌وگو درباره‌ی افت تحصیلی، بی‌انگیزگی و نقش خانواده در یادگیری

(گزارشِ ایمان رحیمی از هشتمین نشستِ ماهانه‌ی مدیران، آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان)

دبیرستانِ دخترانه‌ی سرو روز چهارشنبه، ۱۲ مهر، هشتمین نشستِ ماهانه‌ی مدیران، آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان را برگزار کرد. این نشست از ساعتِ ۹ صبح تا ۱۷ به طول انجامید و حدود ۶۰ نفر در آن شرکت کردند. موضوعِ اصلی امسال «افت تحصیلی، بی‌انگیزگی و نقش خانواده در یادگیری» بود. برگزارکنندگان می‌گویند تصمیم گرفته‌اند به جای سخنرانی‌های طولانی، فضا برای گفت‌وگو باز بماند و صدای معلم‌ها و والدین بیشتر شنیده شود.

نشست با سخنرانی کوتاه خانم مهرانگیز دلاوری، مدیر دبیرستان، آغاز شد. او گفت در سه سالِ گذشته میانگینِ نمراتِ درسِ ریاضی و علوم تجربی در پایه‌ی دهم حدود ۱۲ درصد کاهش داشته و تعداد غیبت‌ها در روزهای پایانی هفته به‌طور محسوس بیشتر شده است. به گفته‌ی او، این آمار تنها عددی نیست و پشتِ هر عدد نام و سرگذشتِ یک دانش‌آموز ایستاده است. سپس سه میز گرد برگزار شد: میزِ اول درباره‌ی افت تحصیلی، میزِ دوم درباره‌ی بی‌انگیزگی و میزِ سوم درباره‌ی نقشِ خانواده.

در میزِ اول، دبیرِ علوم، آقای کامران نوروزی، گفت بسیاری از دانش‌آموزان مفاهیم را حفظ می‌کنند اما توانِ به‌کارگیریِ آن در مسأله‌ها را ندارند. او پیشنهاد کرد کلاس‌ها کمتر با پرسش‌های تکراری و بیشتر با پروژه‌های کوچک اداره شود. خانمِ فرشته یزدان‌پناه، معلمِ ریاضی، گفت در کلاسِ نهم یک گروهِ واتس‌اپی برای تکالیف ساخته است و شب‌ها تا ساعتِ ۹ به دانش‌آموزان پاسخ می‌دهد. او گفت این کار زمانِ حضورِ معلم را کم نکرده، اما اعتمادِ دانش‌آموزان را زیاد کرده است.

میزِ دوم داغ‌ترین بخشِ نشست بود. خانمِ دکتر سیمین رهنما، روان‌شناسِ مدرسه، گفت بی‌انگیزگی اغلب نشانه‌ی خستگی است نه تنبلی. به گفته‌ی او، دانش‌آموزی که شب تا دیر وقت کار می‌کند و صبح خسته سرِ کلاس می‌آید، انرژی کافی برای یادگیری ندارد. او پیشنهاد کرد مدرسه ساعتِ شروعِ کلاس‌ها را نیم ساعت دیرتر کند و زنگِ تفریح را طولانی‌تر کند. این پیشنهاد با استقبالِ نسبی روبه‌رو شد و قرار است آزمایشی در دو ماهِ نخست اجرا شود.

در میزِ سوم، آقای مهندس بهروز کاویانی، پدرِ دو دانش‌آموز، گفت خانواده‌ها گاهی از سرِ دلسوزی کارهای خانه‌ی بچه‌ها را انجام می‌دهند و این کار به ضرر است. پاسخ خانمِ دلاور این بود که نقشِ خانواده نباید نقشِ معلم شود. او گفت اگر والدین به جای پرسیدنِ «نمره‌ات چند شد؟» بپرسند «امروز چه یاد گرفتی؟»، گفت‌وگو عوض می‌شود و فشارِ روانی کم می‌شود. این جمله با تشویقِ حاضران همراه شد.

در پایانِ نشست، سه پیشنهاد رأی‌گیری شد. پذیرشِ تکالیفِ کوتاه‌تر با ۴۱ رأی، برگزاریِ جلسه‌ی ماهانه‌ی اولیا با ۳۸ رأی، و راه‌اندازیِ گروهِ واتس‌اپی با ۲۹ رأی پذیرفته شد. مسئولِ اجرا خانمِ دلاور و آقای کاویانی تعیین شدند. قرار است گزارشِ اجرا در نشستِ آبانِ ماه ارائه شود. مدیر گفت اگر این سه طرح جواب ندهد، دوباره می‌نشینند و دوباره تلاش می‌کنند.

(ادامه‌ی گزارشِ صفحه‌ی ۶ — ستونِ ۲)

۳۰۰ میلیارد تومان برای مدرسه‌سازی در ۱۲ شهرستان

تهران، ۱۴ مهر ۱۴۰۳: وزارتِ آموزش و پرورش روز سه‌شنبه از تخصیصِ ۳۰۰ میلیارد تومان برای ساخت ۴۰ مدرسه در ۱۲ شهرستانِ کمتر برخوردار خبر داد. این طرح قرار است ظرفِ دو سالِ آینده اجرا شود و بیشترِ آن به مناطقِ عشایری، مرزی و روستاهایی اختصاص یابد که تا کنون کلاسِ درس در آن‌ها به صورتِ موقت در چادر یا اتاقِ اجاره برگزار می‌شد.

به گفته‌ی مهندس کامران نوروزی، معاونِ وزیر در امورِ ابنیه، هر مدرسه ظرفِ ۱۲۰ دانش‌آموز را پوشش می‌دهد و شامل شش کلاس، آزمایشگاهِ کوچک، سرویسِ بهداشتی و آب‌انبارِ ۵۰ تنی است. او گفت پیمانکارانِ محلی در اولویت هستند تا هم اشتغال ایجاد شود و هم هزینه‌ی حمل و نقلِ مصالح کاهش یابد. به گفته‌ی او، ۶۰ درصدِ مصالحِ ساختمان از استان‌های همسایه تأمین می‌شود که این موضوع زمانِ اجرا را طولانی کرده است.

خانمِ فرشته یزدان‌پناه، کارشناسِ برنامه‌ریزیِ آموزشی، هشدار داد که ساختِ مدرسه به تنهایی کافی نیست و باید معلم و نیروی انسانی هم فرستاده شود. به گفته‌ی او، در برخی از مناطقِ مرزی تعدادِ معلمانِ رسمی به زحمت به ۴۰ نفر می‌رسد و بقیه با قراردادهای یک‌ساله کار می‌کنند. او گفت بدون تضمینِ ماندگاری، هیچ معلمی حاضر نمی‌شود به روستا برود.

در مقابل، برخی فعالانِ محیطِ کار نسبت به کیفیتِ ساخت ابراز نگرانی کردند. یکی از مدیرانِ پیشین گفت اگر نظارتِ کافی صورت نگیرد، همان اتفاقی که برای صدها کلاسِ بتنی در دهه‌ی گذشته افتاد تکرار می‌شود و مدرسه‌ها پیش از پایانِ عمرِ مفید ترک می‌خورند. وزارت پاسخ داد که سامانه‌ی عکس‌برداری از هر طبقه ثبت می‌شود و بازرسی‌ها بدون اطلاع انجام می‌گیرد.

(ادامه‌ی گزارشِ صفحه‌ی ۶ — ستونِ ۲)

نشستِ ماهانه‌ی مدیران، آموزگاران و اولیا در دبیرستانِ دخترانه‌ی سرو برگزار شد

هشت‌ساعت گفت‌وگو درباره‌ی افت تحصیلی، بی‌انگیزگی و نقش خانواده در یادگیری

(گزارشِ ایمان رحیمی از هشتمین نشستِ ماهانه‌ی مدیران، آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان)

دبیرستانِ دخترانه‌ی سرو روز چهارشنبه، ۱۲ مهر، هشتمین نشستِ ماهانه‌ی مدیران، آموزگاران و اولیای دانش‌آموزان را برگزار کرد. این نشست از ساعتِ ۹ صبح تا ۱۷ به طول انجامید و حدود ۶۰ نفر در آن شرکت کردند. موضوعِ اصلی امسال «افت تحصیلی، بی‌انگیزگی و نقش خانواده در یادگیری» بود. برگزارکنندگان می‌گویند تصمیم گرفته‌اند به جای سخنرانی‌های طولانی، فضا برای گفت‌وگو باز بماند و صدای معلم‌ها و والدین بیشتر شنیده شود.

نشست با سخنرانی کوتاه خانم مهرانگیز دلاوری، مدیر دبیرستان، آغاز شد. او گفت در سه سالِ گذشته میانگینِ نمراتِ درسِ ریاضی و علوم تجربی در پایه‌ی دهم حدود ۱۲ درصد کاهش داشته و تعداد غیبت‌ها در روزهای پایانی هفته به‌طور محسوس بیشتر شده است. به گفته‌ی او، این آمار تنها عددی نیست و پشتِ هر عدد نام و سرگذشتِ یک دانش‌آموز ایستاده است. سپس سه میز گرد برگزار شد: میزِ اول درباره‌ی افت تحصیلی، میزِ دوم درباره‌ی بی‌انگیزگی و میزِ سوم درباره‌ی نقشِ خانواده.

در میزِ اول، دبیرِ علوم، آقای کامران نوروزی، گفت بسیاری از دانش‌آموزان مفاهیم را حفظ می‌کنند اما توانِ به‌کارگیریِ آن در مسأله‌ها را ندارند. او پیشنهاد کرد کلاس‌ها کمتر با پرسش‌های تکراری و بیشتر با پروژه‌های کوچک اداره شود. خانمِ فرشته یزدان‌پناه، معلمِ ریاضی، گفت در کلاسِ نهم یک گروهِ واتس‌اپی برای تکالیف ساخته است و شب‌ها تا ساعتِ ۹ به دانش‌آموزان پاسخ می‌دهد. او گفت این کار زمانِ حضورِ معلم را کم نکرده، اما اعتمادِ دانش‌آموزان را زیاد کرده است.

میزِ دوم داغ‌ترین بخشِ نشست بود. خانمِ دکتر سیمین رهنما، روان‌شناسِ مدرسه، گفت بی‌انگیزگی اغلب نشانه‌ی خستگی است نه تنبلی. به گفته‌ی او، دانش‌آموزی که شب تا دیر وقت کار می‌کند و صبح خسته سرِ کلاس می‌آید، انرژی کافی برای یادگیری ندارد. او پیشنهاد کرد مدرسه ساعتِ شروعِ کلاس‌ها را نیم ساعت دیرتر کند و زنگِ تفریح را طولانی‌تر کند. این پیشنهاد با استقبالِ نسبی روبه‌رو شد و قرار است آزمایشی در دو ماهِ نخست اجرا شود.

در میزِ سوم، آقای مهندس بهروز کاویانی، پدرِ دو دانش‌آموز، گفت خانواده‌ها گاهی از سرِ دلسوزی کارهای خانه‌ی بچه‌ها را انجام می‌دهند و این کار به ضرر است. پاسخ خانمِ دلاور این بود که نقشِ خانواده نباید نقشِ معلم شود. او گفت اگر والدین به جای پرسیدنِ «نمره‌ات چند شد؟» بپرسند «امروز چه یاد گرفتی؟»، گفت‌وگو عوض می‌شود و فشارِ روانی کم می‌شود. این جمله با تشویقِ حاضران همراه شد.

در پایانِ نشست، سه پیشنهاد رأی‌گیری شد. پذیرشِ تکالیفِ کوتاه‌تر با ۴۱ رأی، برگزاریِ جلسه‌ی ماهانه‌ی اولیا با ۳۸ رأی، و راه‌اندازیِ گروهِ واتس‌اپی با ۲۹ رأی پذیرفته شد. مسئولِ اجرا خانمِ دلاور و آقای کاویانی تعیین شدند. قرار است گزارشِ اجرا در نشستِ آبانِ ماه ارائه شود. مدیر گفت اگر این سه طرح جواب ندهد، دوباره می‌نشینند و دوباره تلاش می‌کنند.

(ادامه‌ی گزارشِ صفحه‌ی ۶ — ستونِ ۲)

۳۰۰ میلیارد تومان برای مدرسه‌سازی در ۱۲ شهرستان

تهران، ۱۴ مهر ۱۴۰۳: وزارتِ آموزش و پرورش روز سه‌شنبه از تخصیصِ ۳۰۰ میلیارد تومان برای ساخت ۴۰ مدرسه در ۱۲ شهرستانِ کمتر برخوردار خبر داد. این طرح قرار است ظرفِ دو سالِ آینده اجرا شود و بیشترِ آن به مناطقِ عشایری، مرزی و روستاهایی اختصاص یابد که تا کنون کلاسِ درس در آن‌ها به صورتِ موقت در چادر یا اتاقِ اجاره برگزار می‌شد.

به گفته‌ی مهندس کامران نوروزی، معاونِ وزیر در امورِ ابنیه، هر مدرسه ظرفِ ۱۲۰ دانش‌آموز را پوشش می‌دهد و شامل شش کلاس، آزمایشگاهِ کوچک، سرویسِ بهداشتی و آب‌انبارِ ۵۰ تنی است. او گفت پیمانکارانِ محلی در اولویت هستند تا هم اشتغال ایجاد شود و هم هزینه‌ی حمل و نقلِ مصالح کاهش یابد. به گفته‌ی او، ۶۰ درصدِ مصالحِ ساختمان از استان‌های همسایه تأمین می‌شود که این موضوع زمانِ اجرا را طولانی کرده است.

خانمِ فرشته یزدان‌پناه، کارشناسِ برنامه‌ریزیِ آموزشی، هشدار داد که ساختِ مدرسه به تنهایی کافی نیست و باید معلم و نیروی انسانی هم فرستاده شود. به گفته‌ی او، در برخی از مناطقِ مرزی تعدادِ معلمانِ رسمی به زحمت به ۴۰ نفر می‌رسد و بقیه با قراردادهای یک‌ساله کار می‌کنند. او گفت بدون تضمینِ ماندگاری، هیچ معلمی حاضر نمی‌شود به روستا برود.

در مقابل، برخی فعالانِ محیطِ کار نسبت به کیفیتِ ساخت ابراز نگرانی کردند. یکی از مدیرانِ پیشین گفت اگر نظارتِ کافی صورت نگیرد، همان اتفاقی که برای صدها کلاسِ بتنی در دهه‌ی گذشته افتاد تکرار می‌شود و مدرسه‌ها پیش از پایانِ عمرِ مفید ترک می‌خورند. وزارت پاسخ داد که سامانه‌ی عکس‌برداری از هر طبقه ثبت می‌شود و بازرسی‌ها بدون اطلاع انجام می‌گیرد.

(ادامه‌ی گزارشِ صفحه‌ی ۶ — ستونِ ۲)